



ISSN: 2980-9614

Rational Explorations
Vol. 3, No.1, Spring 2024



The Good Life: An Exegetical Study of its Meaning and Relationship with Human Rights

Reza Ghaseminejad *¹, Ruhollah Moradi ²

- ¹. Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran
- ². Assistant Professor, Department of Law, Ahvaz Branch, Islamic Azad University, Ahvaz, Iran
Ru.moradi@iau.ac.ir

Article Info	ABSTRACT
Article type: Research Article	<i>The concept of "The Good Life" (Hayat Tayebe) in the Quran is a subject of debate among exegetes. Some interpret it as referring to the afterlife and the bliss of paradise, while others associate it with the intermediate realm (Barzakh) or a life of purity and contentment in the present world. This research, conducted using a descriptive-analytical approach, aims to provide a comprehensive interpretation of Hayat Tayebe by examining the exegetical views of various scholars. The study considers the context of the relevant verses, as well as other Quranic passages, to determine the most fitting interpretation of Hayat Tayebe. It then explores the relationship between this concept and human rights.</i>
Received: 13/03/2024	
Accepted: 12/05/2024	Keywords: Hayat Tayebe, Exegesis, Rational and Traditional Approaches, Human Rights

*Corresponding Author: Reza Ghaseminejad

Address: Assistant Professor, Department of Islamic Studies, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

E-mail: r.samen1983@gmail.com



ISSN: 2980-9614

فصلنامه علمی

کاوش های عقلی



حیات طیبه از نظر مفسران با رویکرد عقلی، نقلی و رابطه آن با حقوق انسان

رضا قاسمی نژاد*^۱، روح الله مرادی^۲

۱- استادیار، گروه معارف اسلامی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

۲- استادیار، گروه حقوق، واحد اهواز، دانشگاه آزاد اسلامی، اهواز، ایران

اطلاعات مقاله	چکیده
نوع مقاله: مقاله پژوهشی	حیات طیبه در قرآن کریم از جمله اصطلاحات و واژه‌هایی است که راجع به معنا و مفهوم آن بین مفسران اختلاف نظر وجود دارد برخی آن را متعلق به آخرت و به معنای حیات بهشتی تفسیر کرده‌اند، برخی دیگر آن را مربوط به عالم برزخ و به معنای حیات برزخی و زندگی در قبر دانسته‌اند و گروهی دیگر آن را مرتبط با عالم دنیا دانسته و به معنای معرفت الهی، قناعت، روزی طیب، رزق روزانه، زندگی پاکیزه، رضای به قضای الهی، صبر و شکیبایی، شیرینی طاعت، عبادت باروری حلال تفسیر کرده اند و گروهی دیگر آن را دوسویه دنیوی و اخروی به معنای سعادت لحاظ نموده‌اند. متمایز از این تفاسیر تفسیر دیگری وجود دارد که حیات طیبه را دنیوی و یک حیات مستقل می‌داند. هدف از این پژوهش که به روش توصیفی و تحلیلی انجام شده است بعدازبررسی و تحلیل اقوال و آراء تفسیری مفسران دستیابی به تفسیر کامل و جامع از معنا و مفهوم حیات طیبه است که با توجه به صدر و ذیل آیه و نیز قرائن دیگر در آیات قبل و بعد از آیه حیات طیبه کامل‌ترین و مناسب‌ترین معنا و مفهوم برای حیات طیبه ارائه و در نهایت رابطه آن با حقوق انسان مشخص گردید.
دریافت: ۱۴۰۲/۱۲/۲۳	
پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۲۳	
	کلیدواژه: حیات طیبه، مفسران، رویکرد عقلی و نقلی، حقوق انسان

*-نشانی پست الکترونیکی نویسنده مسئول: r.samen1983@gmail.com

۱- مقدمه

قرآن کریم به عنوان مهم‌ترین و کامل‌ترین کتاب هدایت و سعادت انسان‌ها، برای نیل به این مقصود برنامه‌هایی در خود گنجانده است که دستیابی به آن‌ها با مراجعه به قرآن کریم و انس با این کتاب آسمانی میسر است یکی از مؤلفه‌های زندگی مؤمنین بر اساس قرآن کریم رسیدن به حیات طیبه است که در آیه ۹۷ سوره نحل به آن اشاره شده است و خداوند در این آیه نتیجه و محصول، پایبندی مؤمنین به دو اصل، ایمان و عمل صالح را، حیات طیبه می‌داند. آنچه در اینجا قابل توجه و دقت نظر است معنا و مفهوم حیات طیبه است که مقصود و مراد پروردگار از حیات طیبه چه می‌باشد؟ آیا مربوط به دنیا است و یا آخرت؟ و اگر برای دنیا است منظور چه می‌باشد و اگر برای آخرت است کمیت و کیفیت آن چگونه است؟ با مراجعه به نظرات و آراء مفسران مشهور شیعه و سنی با گرایش‌ها عقلی و نقلی در این زمینه شاهد معانی و مفاهیمی متعددی هستیم که نشان‌دهنده اختلاف مفسران و عدم مفهوم مشترک و جامع هستیم. در این پژوهش سعی بر آن است با جمع‌آوری اقوال و دیدگاه‌های مفسران مشهور شیعه و سنی با رویکرد عقلی و نقلی و تحلیل آنان و همچنین ادله و قرائن دیگر به ترسیم معنا و مفهوم روشنی از حیات طیبه پرداخته شود.

در باره پیشینه بحث اگرچه پژوهش‌هایی اعم کتاب، مقالات و پایان‌نامه‌هایی به رشته تحریر درآمده است. از جمله کتب: آرامش یابی انسان در حیات طیبه، به قلم محسن بهداد؛ سیمای حیات طیبه در قرآن و سخن معصومین علیهم‌السلام، نوشته سید حسین بهشتی نژاد؛ حیات طیبه و ارزش مال از نظر قرآن کریم، تألیف سید عبدالوهاب طالقانی؛ حیات طیبه، نگاهی دیگر به مقاله پوچی، از حمید شهریاری؛ کمالات معنوی و حیات، حیات طیبه قرآنی و اصطلاحات فرهنگی پیامبر، نوشته سید حسین حرّ؛ حیات طیبه در قرآن و نهج البلاغه، تألیف اسماعیل ابراهیمی؛ حیات طیبه هدف غایی تعلیم و تربیت اسلامی، از حسنعلی اکبری؛ حیات طیبه در پرتو اخلاق، به قلم سید سعید مهدوی. مقالاتی از جمله: حیات طیبه از دیدگاه قرآن کریم، نوشته حمیدرضا مظاهری سیف؛ «حیات طیبه از دیدگاه قرآن کریم»، نوشته صدیقه ذاکر؛ «حیات طیبه انسان از منظر قرآن کریم»، نوشته جمال فرزند وحی و معصومه رحیمی. ولی هیچکدام با نگاه کاربردی و جامع به مفهوم و معنای روشن حیات طیبه فارغ از مباحث دیگر مرتبط با این موضوع نپرداخته و هدفی که ما در این تحقیق به دنبال آن هستیم یعنی معنا و

مفهوم روشن از حیات طیبیه را برآورده ننموده‌اند بلکه به بیان مصادیق حیات طیبیه و ارتباط حیات طیبیه با این مصداق‌ها اشاره شده است.

۲. معنا و مفهوم حیات طیبیه

واژه حیات در مقابل موت، به معنای زندگی وزنده بودن است و آن را نیروی رشد و حرکت و احساس نیز گفته‌اند (راغب، ۱۴۰۴، ص ۲۶۹). طیبیه یا طیب به معنای پاک و پاکیزه و آن چیزی است که انسان به طور طبیعی به آن تمایل دارد. در مقابل خبیث و ناپاک که انسان از آن متنفر است، می‌باشد (ابن منظور، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۵۶۳). و نیز به چیزی اطلاق می‌شود که فی‌نفسه مطلوب و به‌دوراز آلودگی ظاهری و باطنی باشد و نقطه مقابل آن، «خبث» است؛ یعنی چیزی که ظاهراً و باطناً آلوده، و فی‌نفسه مایه اکراه است (مصطفوی، ۱۳۶۸، ج ۷، ص ۱۵۱). بر این اساس، حیات طیبیه در لغت به معنای زندگی پاکیزه و خالص از هر آلودگی است.

۳. حیات طیبیه از نظر مفسران با گرایش عقلی و نقلی

برای حصول دیدگاه مفسران شیعه و سنی در مرحله اول تعداد زیادی از تفاسیر بالغ‌بر شصت تفسیر اهل تشیع و اهل تسنن مورد مطالعه قرار گرفت بعد از به دست آوردن نظرات این مفسران و تحلیل اطلاعات جمع‌آوری شده در مرحله دوم به خاطر اینکه برخی از جامعه تفاسیر مورد تحقیق در مرحله اول فاقد مطالب مرتبط با موضوع بوده‌اند و یا از مطالب قابل ملاحظه و مفید برخوردار نبوده‌اند تعداد تفاسیر مورد پژوهش مورد تعدیل قرار گرفت و در نهایت بیست‌ویک تفسیر مشهور شیعه و سنی به‌عنوان منبع اصلی پژوهش قرار گرفت و در مرحله سوم با دقت و تعمق بیشتر تفاسیر منتخب مورد مطالعه و تجزیه و تحلیل دقیق واقع شد و ترتیب تاریخی آن‌ها نیز رعایت گردید و در مرحله چهارم تفاسیر شیعه و سنی از هم تفکیک گردید و هر گروه به‌طور مجزا مورد بررسی و کنکاش قرار گرفت و با دست آمدن دیدگاه‌های هر گروه وجه اشتراک و افتراق هر کدام مشخص و در نهایت به نظرات اجماعی هر دو گروه دست‌یافتیم که محصل دیدگاه مفسران شیعه و سنی خواهد بود.

از نظر مفسران شیعه مفاهیم مختلفی برای حیات طیبیه بیان شده است که عبارت‌اند از: حیات اخروی (حیات بهشتی)، حیات برزخی، حیات دنیوی، رزق روز به‌روز، رزق حلال، رزق حلال بدون عقاب، حیات اخروی، قناعت، زندگی پاکیزه، زندگی در طاعت خدا، مؤمن بالله و عاملاً بطاعته، کسب

طیب و عمل صالح، سعادت، رضا بالقضا، توفیق الی الله، شناخت خدا، شیرینی در طاعت و صبر شکیبایی.

برای روشن شدن بحث هرکدام از مفاهیم را مورد بررسی قرار می‌دهیم.

مفهوم اخروی (حیات بهشتی) به ترتیب توسط تفاسیر تبیان (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۴۲۵)، مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۴، ص ۴۸)، فتح البیان (قنوجی، ۱۴۲۰ ق، ص ۷۷)، کاشف (مغنیه، ۱۴۲۴ ق، ج ۴، ص ۵۵۰-۵۵۱) وال میزان (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۲، ص ۴۹۲-۴۹۴) به صورت یکسان با تعبیر حیات بهشتی بیان شده است. مفهوم حیات برزخی به سه گونه توسط تفاسیر مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۴، ص ۴۸) با تعبیر زندگی پاکیزه در قبر، فتح البیان (قنوجی، ۱۴۲۰ ق، ص ۷۷) زندگی در قبر والمیزان (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۲، ص ۴۹۴-۴۹۶) حیات برزخی بیان شده است که به نوعی علامه طباطبایی به صورت کلی تر و طبرسی و قنوجی جزئی تر و مصداقی مطرح نموده اند. مفهوم حیات دنیوی به ترتیب بدون هیچ گونه اختلاف توسط تفاسیر مقاتل (مقاتل، ۱۴۲۳ ق، ج ۲، ص ۴۸۶)، فتح البیان (قنوجی، ۱۴۲۰ ق، ص ۷۷)، کنز الدقائق (مشهدی، ۱۳۶۸ ش، ج ۷، ص ۲۶۷-۲۶۹)، والمیزان (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۲، ص ۴۹۲-۴۹۴) بیان شده است. مفهوم رزق روز به روز نیز به ترتیب بدون هیچ گونه اختلاف توسط تفاسیر مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۴، ص ۴۸)، فتح البیان (قنوجی، ۱۴۲۰ ق، ص ۷۷)، والمیزان (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۲، ص ۴۹۲-۴۹۴) مطرح شده است. مفهوم رزق حلال به دو گونه به ترتیب توسط تفاسیر تبیان (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۴۲۵)، مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۴، ص ۴۸)، کشف الاسرار (میبدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۵، ص ۴۴۵) و فتح البیان (قنوجی، ۱۴۲۰ ق، ص ۷۷) با تعبیر رزق یا روزی حلال والمیزان (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۱۲، ص ۴۹۲-۴۹۴) با تعبیر روزی حلال بدون عقاب بیان شده است که شاید بتوان گفت تفاوت دو تعبیر در این است که روزی حلال بدون قید یعنی آنچه که خداوند برای انسان مقدر کرده تحصیل و مسیر استفاده آن ممکن است حلال باشد یا نباشد ولی در تعبیر دوم هم تحصیل آن وهم شیوه استفاده آن به صورتی است که عقابی در پی ندارد.

مفهوم قناعت توسط گروه کثیری از مفسران به ترتیب بیان شده است تفاسیر قمی با تعبیر القنوع بما رزقه الله (قمی، ۱۳۹۳ ق، ج ۱، ص ۳۹۰)، تبیان، (طوسی، بی تا، ج ۶، ص ۴۲۵) کشف الاسرار (میبدی، ۱۳۷۱ ش، ج ۵، ص ۴۴۵)، مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۶۰ ش، ج ۱۴، ص ۴۸)، با تعبیر قناعت و تفاسیر

البرزان (بحرانی، ۱۴۱۶ق، ج ۳، ص ۴۵۳)، نورالثقلین (حویزی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۸۴)، صافی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۵۵) کنزالدقائق (مشهدی، ۱۳۶۸ش، ج ۷، ص ۲۶۷-۲۶۹) با تعبیر القنوع بما رزقه الله و تفسیر فتح البیان (قنوجی، ۱۴۲۰ق، ص ۷۷) با تعبیر قناعت مطرح نموده اند. دقت در تعبیر این گروه مارا به این مطلب می‌رساند که تفاسیر روایی همگی با استناد به روایاتی از معصومین معتقدند حیات طیبه قناعت در رزق و روزی الهی است ولی دیگر تفاسیر غیر ماثوره همچون تفاسیر نقلی قناعت را مطلق آوردند. مفهوم زندگی پاکیزه توسط مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۴، ص ۴۸) با تعبیر زندگی پاکیزه در آخرت بیان شده است. تفسیر احسن الحدیث (قرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۵، ص ۴۹۵-۴۹۷) حیات طیبه را به معنای روشن بینی و صبر و شکیبایی و وسعت یقین که همه‌ی پیشامدها در مقابل آن سهل است در نظر گرفته است. و فتح البیان (قنوجی، ۱۴۲۰ق، ص ۷۷) وجوه دیگر از جمله شیرینی در طاعت، کسب طیب و عمل صالح برای حیات طیبه بیان می‌کند.

تفاسیر مجمع البیان (طبرسی، ۱۳۶۰ش، ج ۱۴، ص ۴۸)، صافی (فیض کاشانی، ۱۴۱۵ق، ج ۳، ص ۱۵۵) و احسن الحدیث (قرشی، ۱۳۷۷ش، ج ۵، ص ۴۹۵-۴۹۷) رضا بالقضا در معنا حیات طیبه مطرح نموده‌اند و تفسیر فتح البیان (قنوجی، ۱۴۲۰ق، ص ۷۷) وجوه دیگری از جمله سعادت، توفیق الی الله و شناخت خدا را برای مفهوم حیات طیبه بیان کرده‌اند.

بنابر دیدگاه مفسران اهل سنت همچون مفسران شیعه معنا و مفهوم حیات طیبه متعدد و مختلف می‌باشد

تفاسیر مفاتیح الغیب (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰، ص ۲۶۸) و غرائب القرآن (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۰۳) آنرا حیات برزخی و زندگی در قبر در نظر گرفتند. جامع البیان (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۱۵-۱۱۶)، مفاتیح الغیب (فخر رازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰، ص ۲۶۸)، غرائب القرآن (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۰۳) و در المنتور (سیوطی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۳۰) حیات طیبه را حیات دنیوی تفسیر کرده‌اند. جامع البیان (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۱۵-۱۱۶)، الکشف والبیان (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۴۱)، الذکت والعیون (ماوردی، بی تا، ج ۳، ص ۲۱۲)، غرائب القرآن (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۰۳)، درالمنتور (سیوطی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۳۰) و مظهری (المظهری، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۶۸-۳۷۰) حیات طیبه را رزق حلال می‌دانند.

جامع البیان (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۱۵-۱۱۶) والنکت والعیون (ماوردی، بی تا، ج ۳، ص ۲۱۲) وجه دیگر حیات طیبه را بهشت تفسیر کردند. جامع البیان (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۱۵-۱۱۶)، الکشف والبیان (ثعلبی، ۱۴۲۲ق، ج ۶، ص ۴۱)، النکت والعیون (ماوردی، بی تا، ج ۳، ص ۲۱۲)، مفاتیح الغیب (فخررازی، ۱۴۲۰ق، ج ۲۰، ص ۲۶۸)، در المنثور (سیوطی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۳۰) ومظهري (المظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۶۸-۳۷۰) وجه دیگر حیات طیبه را قناعت دانسته اند. مظهري (المظهري، ۱۴۱۲ق، ج ۵، ص ۳۶۸-۳۷۰) زندگی در طاعت خدا و زندگی پاکیزه را وجه دیگر حیات طیبه بیان نموده اند. مومن بالله و عاملاً بطاعته وجه دیگری است که جامع البیان (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۱۵-۱۱۶) والنکت والعیون (ماوردی، بی تا، ج ۳، ص ۲۱۲) مطرح نموده اند.

جامع البیان (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۴، ص ۱۱۵-۱۱۶)، النکت والعیون (ماوردی، بی تا، ج ۳، ص ۲۱۲) ودر المنثور (سیوطی، ۱۴۱۲، ج ۴، ص ۱۳۰) سعادت را وجه دیگر حیات طیبه می دانند. مراغی (مراغی، بی تا، ج ۱۴، ص ۱۳۹) والنکت والعیون (ماوردی، بی تا، ج ۳، ص ۲۱۲) رضا بالقضای معنای دیگر برای حیات طیبه مطرح نموده اند. وغرائب القران (نیشابوری، ۱۴۱۶ق، ج ۴، ص ۳۰۳) رزق روزانه را معنای دیگر حیات طیبه در نظر گرفته اند.

دو وجه دیگری که متمایز از این وجوه هستند توسط المیزان (طباطبایی، ۱۳۷۴ش، ج ۱۲، ص ۴۹۲-۴۹۴) ومواهب الرحمن (سبزواری، ۱۴۰۹ق، ج ۱، ص ۱۲۰) بیان شده است یکی حیات طیبه را حیات جدید و اختصاصی و دارای آثار دنیوی لحاظ کرده و دیگری آنرا حیات حقیقی دانسته چرا که قوام حیات فرد و اجتماع به کمالات معنویه است.

از مجموع وجوه تفسیری بیان شده از مفسران شیعه مفهوم قناعت، رزق حلال و حیات بهشتی به ترتیب از قائلین بیشتری برخوردار است و از مفسران اهل سنت نیز به همین صورت است به جز اینکه قناعت و روزی حلال هردو از جایگاه یکسانی برخوردارند بنابراین می توان گفت این سه واژه از نظر اهل سنت و اهل تشیع در معنا حیات طیبه از اکثریت برخوردارند و به عبارتی مورد اجماعی هردو گروه می باشند .

همان‌طور که گذشت مفسران در مفهوم حیات طیبه بالغ‌بر نوزده وجه را بیان کردند و اکثریت نیز وجه خاصی را به عنوان تفسیر اولی حیات طیبه برگزیدند به جز علامه طباطبایی که آنرا حیات جدید و اختصاصی دارای آثار دنیوی دانسند و همچنین قنوجی در فتح البیان که در تفسیر آن قائل به حیات دنیوی است.

لذا در این جا چند سوال اساسی مطرح است: آیا وجوه ذکر شده می‌توانند تفسیر حیات طیبه باشند؟ یا خیر؟ اگر هستند کدام یک است؟ و اگر نیستند پس باید روشن شود این وجوه چه جایگاهی دارند و تفسیر حیات طیبه چیست؟

باتوجه با مطلبی که گذشت به دلیل وجوه متعدد و عدم تصریح مفسران در معانی و مفاهیم ذکر شده در تبیین حیات طیبه این مطلب برای ما ثابت می‌شود که تفسیر حیات طیبه برای اینها روشن نیست لذا به نوعی مجبور شدیم احتمالات مختلفی را مطرح کنیم تا شاید بتوانند به مفهوم حیات طیبه نزدیک شوند و شاید بهترین قضاوت در باره وجوه گفته شده مفسران، این است که همه این احتمالات از مصادیق حیات طیبه می‌باشند و تفسیر و مفهوم آن یعنی حیات طیبه این معانی در خود گنجانده است و شامل همه این موارد می‌شود.

تا اینجا مشکل وجوه احتمالی تا حدودی حل شد اما تفسیر حیات طیبه باقی ماند برای روشن شدن مفهوم حیات طیبه ناگزیریم به صدر و ذیل آیه و سیاق آیات قبل و بعد آن و نیز آیات دیگر قرآن مراجعه و با توجه و دقت نظر بیشتر به جامعه هدف در تفسیر حیات طیبه دست پیدا کنیم.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

هر کس -از مرد یا زن- کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را با زندگی پاکیزه‌ای، حیات [حقیقی] بخشیم، و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند پاداش خواهیم داد. (نحل: ۹۷)

آیه از سه قسمت تشکیل شده است:

۱. در مود عمل صالح همراه با ایمان از هر انسانی چه مرد وجه زن هست.
۲. نتیجه انعکاس اولی این رفتار برای زن مورد مؤمن عامل صالح را بیان می‌فرماید.
۳. نتیجه انعکاس دیگری برای این رفتار زن و مرد مومن عامل صالح را مطرح می‌فرماید.

در قسمت اول آیه که مطلب روشن است و نیاز به توضیح دیگری ندارد اما قسمت دوم و سوم مورد بحث و نیاز به بررسی دارد.

آنچه که از ظاهر صریح آیه برداشت می شود این است که قسمت دوم آیه با قسمت سوم تفاوت دارد چرا که لزومی ندارد در قسمت سوم بگوید ما نتیجه و جزای احسن و بهتری برای انسان مومن عامل صالح در نظر گرفتیم درواقع اینطور نمایان است که پاداش اولی از دومی کمتر است و به عبارتی پاداش دومی کامل تر و جامع تر است. بنابراین می توانیم بگوییم پاداش اول (حیات طیبه) مجزا و مستقل از پاداش دوم (اجر احسن) است اما آیا دلیلی بر این مطلب وجود دارد با بررسی آیات دیگر قرآن کریم ما را در این موضوع کمک می کند از جمله آیات زیر:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَ قَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ؛ ای کسانی که ایمان آورده اید! اجابت کنید خدا و رسولش را زمانی که شما را می خوانند بدانچه زنده تان می سازد، و بدانید که خدا حائل میان مرد و دل اوست، و اینکه به سوی او محشور می شوید» (انفال، ۲۴).

این آیه به روشنی از حیات برای کسانی که خود دارای حیات اند سخن به میان آورده است. طبیعتاً حیات مورد نظر باید غیر از حیات معمول برای انسان ها باشد. شهید مطهری در این باره می نویسد: «یکی از آیاتی که رسماً مردم را به دو دسته منقسم کرده است، دسته زندگان و دسته مردگان، و قرآن را عامل حیات و پیغمبر را محیی، یعنی حیات بخش و زنده کننده معرفی کرده است، آیه ای است که شاید صریح ترین آیات قرآن در این مورد است؛ می فرماید: "يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ؛ ... می گوید این پیغمبر برای شما حیات و زندگی آورده است. شما الآن مرده اید، خودتان نمی فهمید؛ بیایید تسلیم این طیب روحانی مسیحادم بشوید تا ببینید چگونه به شما زندگی می دهد» (مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۵، ص ۴۴۹).

أَوْ مَنْ كَانَ مَيِّتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ؛ آیا کسی که مرده [دل] بود و زنده اش گردانیدیم و برای او نوری پدید آوردیم تا در پرتو آن در میان مردم راه برود، چون کسی است که گرفتار در تاریکی هاست و از آن بیرون آمدنی نیست؟ این گونه برای کافران آنچه انجام می دادند، زینت داده شده است» (انعام، ۱۲۲).

این آیه از حیات مؤمن و مرگ غیر مؤمن سخن می‌گوید. شخص احیاشده مورد اشاره در آیه، زنده دل‌مرده‌ای بوده است که خدا بر او حیاتی غیر از حیات ظاهری افاضه و به او نور سلوک عطا نموده است.

... «أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُم بِرُوحٍ مِنْهُ»... (مجادله ۲۲) اینانند که خدا ایمان را در دل هایشان تثبیت کرده و آنان را به روحی که حیاتی ویژه به آنان بخشیده، نیرومند ساخته است. در این آیه برای مردم باایمان روح مخصوصی اثبات کرده است.

از قسمت دوم آیه مورد بحث و آیات ذکر شده این نکات به دست می‌آید که اولاً حیات طیبه، حیاتی جدید است زیرا «در جمله "فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً"»، حیات به معنای القای جان در موجود و افاضه حیات به آن است. پس این جمله با صراحت لفظش دلالت دارد بر اینکه خدای تعالی مؤمنی را که عمل صالح کند، به حیات جدیدی غیر آن حیاتی که به دیگران نیز داده، زنده می‌کند و مقصود این نیست که حیاتش را تغییر می‌دهد. (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۴۹۱). ثانیاً حیات طیبه در همین دنیا حاصل می‌شود چرا که با تدبیر در آیه شریفه «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَ لَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل، ۹۷) درمی‌یابیم که حیات معنوی و طیب مختص آخرت نیست، بلکه با تحقق شرایط در همین عالم حاصل می‌شود؛ زیرا از آنجاکه ایمان و عمل صالح از امور معنوی‌ای هستند که در همین عالم تحقق می‌یابند، به ناچار حیات طیبه مترتب بر ایمان و عمل صالح نیز در همین عالم محقق می‌شود. البته آثار این حیات معنوی در آخرت ظهور می‌یابد؛ چون آنچه خداوند از نعمت‌های معنوی به بندگانش در آخرت عطا می‌کند، نتایج نعمت‌های معنوی عطا شده او در همین دنیاست؛ چنان‌که ذیل آیه کریمه که سخن از جزای نیکوتر از عمل در آخرت را مطرح نموده است، مؤید این بیان می‌باشد (سعادت پرور، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۴۰۷-۴۰۶؛ نیز ر.ک به: مطهری، ۱۳۶۸، ج ۲۲، ص ۸۹). ثالثاً حیات جدید آثار ویژه‌ای غیر از حیات ظاهری دارد. آیاتی که متعرض این حیات هستند، و ذکرشان گذشت آثاری حقیقی از جمله: نورانیت دل، مشاهده ملکوت و... برای آن نشان می‌دهند که سنخیتی با حیات ظاهری ندارد و انسان فاقد این حیات از آن بی‌بهره است. آیت‌الله جوادی آملی در این زمینه می‌نویسد: سالک با سیر انفسی و انجام عمل صالح در حال ایمان به حیات طیبه دست می‌یابد: «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً؛ هر مرد یا زن مؤمنی که کاری نیک و شایسته کند (از حسن فاعلی و حسن فعلی، هردو برخوردار باشد)، او را به

حیات طیب (زندگانی پاک و خوش) زنده بداریم. این حیات طیبہ، برتر از حیات حیوانی مشترک بین انسان و حیوان است و آثاری که قرآن برای آن ذکر کرده، بسیار بالاتر از اثرات حیات مادی و عادی است (جوادی آملی، ۱۳۸۳، ج ۲، ص ۱۶۲)

بنابراین تا اینجا روشن شد حیات طیبہ در آیه حیات جدید در همین دنیا با آثار حقیقی است اما اینکه خود حیات طیبہ چیست ناگزیریم به آیات قبل و بعد از آیه مورد بحث مراجعه کنیم.

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ تَمَنَّا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ مَا عِنْدَكُمْ يَبْذُوقُ مَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّهُ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْتَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْآنَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّهُ لَيْسَ لَهُ سُلْطَانٌ عَلَى الَّذِينَ آمَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ إِنَّمَا سُلْطَانُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ (نحل: ۹۵-۱۰۰); پیمان خدا را به بهای ناچیزی مفرو شید؛ زیرا آنچه نزد خداست — اگر بدانید — قطعاً برای شما بهتر است. آنچه نزد شماست تمام می شود و آنچه نزد خداست پایدار. و قطعاً کسانی را که شکیبایی ورزیدند به بهتر از آنچه عمل می کردند، پاداش خواهیم داد. هر کس — از مرد یا زن — کار شایسته کند و مؤمن باشد، قطعاً او را بازندگی پاکیزه‌ای، حیات می‌بخشیم و مسلماً به آنان بهتر از آنچه انجام می‌دادند، پاداش خواهیم داد. پس هنگامی که قرآن می‌خوانی، از شیطان رانده شده به خدا پناه آور؛ زیرا او را برابر کسانی که ایمان آورده‌اند و بر پروردگارشان توکل می‌کنند، تسلطی نیست. تسلط او فقط بر کسانی است که وی را به سرپرستی می‌گیرند و بر کسانی که به خدا شریک می‌ورزند.

در این آیات نکاتی را مطرح می‌فرمایند که از نظر می‌گذرانیم:

۱. میان انسان و خداوند تعالی عهد و پیمانی است که پاس داری از آندره‌ای معنوی را می‌گشاید و آدمی را به نزد خدا یا عالم «عندیّت» می‌رساند.

۱۰. این پیمان همان است که خدای تعالی پس از آفرینش حضرت آدم (علیه السلام) و ذریه او، از همه انسان ها گرفت و آنها را شاهد این عهد قرار داد: (وَ إِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِن بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتَ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا...)(اعراف: ۱۷۲); به یاد آور زمانی را که پروردگارت از پشت فرزندان آدم، ذریه آنها را برگرفت و آنها را گواه خویش قرار داده، فرمود: آیا من پروردگار شما نیستم؟ گفتند: آری، گواهی می‌دهیم.

آیه الله جوادی آملی این عهد را عهد فطری انسان با خدا دانسته و خداگرایی فطری را ثمره این شناخت و پیمان فطری برشمرده است (جوادی آملی، ۱۳۷۹، ص ۱۲۰-۱۲۱) علامه طباطبائی این عهد و پیمان را بر جنبه ملکوتی انسان تطبیق کرده و فرموده اند: «ملکوت همه چیز آن روی باطن اشیا است که به سوی پروردگار بوده و مشاهده آن ملازم با یقین است؛ همان طور که از سخن خداوند فهمیده می شود: (وَ كَذَلِكَ نُرِي إِبْرَاهِيمَ مَلَكُوتَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ مِنَ الْمُوقِنِينَ) (انعام: ۷۵)؛ این چنین ملکوت آسمان ها و زمین را به ابراهیم نشان دادیم تا از اهل یقین باشد. ... نه از جهت شیئیت مادی که شناخت خواص اشیا را نتیجه می دهد، بلکه از جهت وجودی آنها، که غیر مستقل و مربوط و محتاج به پروردگاری است که او و همه چیز را تدبیر می کند و او پروردگار جهانیان است. (طباطبائی، ۱۴۱۷، ج ۸، ص ۳۵۳)

۲. این عالم (عالم عندیت) پایدار و همیشگی است و زندگی و شادمانی و برخورداری در آنجا هرگز تباہ نمی شود.

۳. راه یافتن به عالم «عندالله» پاداش صبر و بردباری مؤمنانی است که عهد و پیمان خدا را نشکسته و به بهای ناچیز فروخته اند و به نتیجه ای بهتر از عملشان می رسند.

۴. این نتیجه و پاداش بهتر از عمل، که در اثر عمل صالح مشروط به ایمان نصیب هر زن و مردی می شود، «حیات طیبه» است.

۵. برای نیل به چنین سعادت، باید به وحی الهی دستاویز شد و از وسوسه های شیطان گریخت؛ زیرا شیطان بر مؤمنان اهل توکل هیچ نفوذی ندارد.

۶. در برابر زندگی پاک الهی، زندگی فرومایگی زیر نفوذ و سلطه شیطان برای کسانی است که شرك ورزیده و فرمانبر شیطان هستند.

۷. در این آیه شریفه دو چیز در برابر هم قرار گرفته است: یکی «ثمن قلیل» (بهای ناچیز) و دیگری «ما عندالله» که ثمن قلیل» و صف دنیا ست (قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ)؛ بگو بهره دنیا ناچیز است (نساء: ۷۷) و پاس داری و پای بندی به عهد الهی کلید ورود به عالم «عندیت» و برخورداری از بهره ماندگار و جاودان عندالله معرفی شده است.

بنابر این براساس سیر منطقی این آیات و همچنین سیاق آنها می توان نتیجه گرفت حیات طیبه برسیدن به مقام عندیت حاصل می شود و مقام عندیت همان وصول الی الله و قرب الهی است به تعبیر

قرآن کریم «فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ: در جایگاهی راستین نزد سلطانی مقتدر» (قمر: ۵۵) که در همین دنیا با پابندی به عهد و پیمان الهی و عمل صالح همراه با ایمان حاصل می شود. به عبارت دیگر حیات طیبه که اشاره شد، حیات جدید و حقیقی است، در دنیا اتفاق می افتد و بالاترین درجه حیات انسان است چرا که از نظر قرآن حیات یا نباتی است که اختصاص به گیاهان دارد و آنها را از جمادات متمایز کرده است، و قرآن کریم در این باره می فرماید: إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوِي يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجُ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ ذَلِكَمُ اللَّهُ فَأَنَّى تُؤْفَكُونَ: خدا شکافنده دانه و هسته است. زنده را از مرده، و مرده را از زنده بیرون می آورد. چنین است خدای شما پس چگونه [از حق] منحرف می شوید؟ (انعام: ۹۵)

حیات دیگر حیات حیوانی است که مشترک بین انسان و حیوانات است و حیاتی برتر از حیات، جمادات و نباتات است و حیوانات با این مزیت خود و جهان خارج را درک و آگاهی پیدا می کنند و در پرتو این آگاهی ها و شناخت ها برای رسیدن به خواسته ها و مطلوب ها خود می کوشند خداوند می فرماید: وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَائِرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمٌّ أَمْثَلُكُمْ: و هیچ جنبنده ای در زمین نیست و نه هیچ پرنده ای که با دو بال خود پرواز می کند مگر آنکه آنها [نیز] گروه هایی مانند شما هستند (انعام: ۳۸)

درباره انسان ها می فرماید: وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ سُلَالَةٍ مِنْ طِينٍ، ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَكِينٍ، ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا الْمُضْغَةَ عِظَامًا فَكَسَوْنَا الْعِظَامَ لَحْمًا... و به یقین، انسان را از عصاره ای از گل آفریدیم. سپس او را [به صورت] نطفه ای در جایگاهی استوار قرار دادیم. آن گاه نطفه را به صورت علقه درآوردیم. پس آن علقه را [به صورت] مضغه گردانیدیم، و آن گاه مضغه را استخوانهایی ساختیم، بعد استخوانها را با گوشتی پوشانیدیم. (مومنون: ۱۲-۱۴)

نوع دیگر حیات حیات انسانی است که باعث تمایز انسان از همه موجودات اعم از جمادات، نباتات، و حیوانات شده است قرآن در این باره می فرماید: ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا آخَرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ: آن گاه [جنین را در] آفرینشی دیگر پدید آوردیم. آفرین باد بر خدا که بهترین آفرینندگان است. (مومنون: ۱۴) یا در جای دیگر می فرماید: ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِنْ رُوحِهِ: آن گاه او را درست اندام کرد، و از روح خویش در او دمید، (سجده: ۹)

براساس این آیات، انسان، از چند مرحله گذر کرده تا به مرحله انسانی رسیده است؛ مرحله جماد، نبات، حیوانی و سرانجام انسانی که می‌توان گفت مرحله اعلی انسانی که شایستگی خلیفه الهی را داشته باشد در همین دنیا اتفاق می‌افتد چرا که مرحله جماد و نبات که روشن است مرحله حیوانی هم شامل همه انسان‌ها می‌شود ولی مرحله انسانی که مزین به عقل و فطرت است در انسان‌ها به دو صورت است یکی بالقوه و دیگری بالفعل که تا استعدادها نهفته و بالقوه در انسان به فعلیت نرسند مرحله انسانی و کمال برای انسان رخ نمی‌دهد در واقع می‌توان گفت حیات طیبه که گفته شده در همین دنیا و حیات جدید ولی همراه با همین حیات حیوانی است همان حیات انسانی است که انسان با به فعلیت رساندن به آن دست پیدا می‌کند.

به قول شاعر:

رسد آدمی به جایی که به جز خدا نبیند بنگر که تا چه حد است مکان آدمیت (غزلیات سعدی: ۱۹)

۴. رابطه حیات طیبه با حقوق انسان

یکی از جنبه‌های جامعیت قرآن پرداختن به مسائل اجتماعی از جمله مسائل حقوقی است، اعم از حقوق انسان، حقوق خداوند نسبت به بشر، حقوق پیامبران، حتی حق خود قرآن نسبت به مردم. از مهم‌ترین حقوق انسان در قرآن از این قرار است: حق حیات، حق کرامت انسانی، حق عدالت، حق امنیت، حق پدر و مادر بر فرزندان، حق عفو و گذشت نسبت به اشتباهات دیگران، حق سائل، حق ایتم و محرومان از اموال ثروت‌مندان، حق تعقل، تفکر و شناخت، حق آزادی، حق آزادی در دین و انجام مراسم دینی و... .

حق کرامت انسانی یکی از حقوق اساسی و زیربنایی برای دیگر حقوق موضوعه انسانی است. بر همین اساس است که اسلام انسان را دارای مقام و ارزش والایی می‌داند. در تعالیم و آموزه‌های دینی، تنها انسان است که سروری موجودات زمین و آسمان برای او مطرح است، و در قرآن تصریح شده است که روح خدا در او دمیده شده و او شایسته تکریم و تعظیم و حتی سجده فرشتگان و مقام جانشینی خدا قرار گرفته است.

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا: ما آدمی زادگان را گرامی داشتیم و آنها را در خشکی و دریا، (بر مرکب‌های راهوار) حمل کردیم

و از انواع روزی‌های پاکیزه به آنان روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از موجوداتی که خلق کرده‌ایم، برتری بخشیدیم. (اسراء/ ۲۳)

با توجه به تعریفی که از حیات طیبه به دست آمد می‌توان گفت حیات طیبه با کرامت انسانی رابطه تنگاتنگی دارد و تا از انسان نسبت به جایگاه خود و کرامتی که خداوند بر اساس آیات ذکر شده به انسان عطا کرده توجه نکند نمی‌تواند به حیات طیبه دست پیدا کند یعنی یکی از لوازم اصلی رسیدن به حیات طیبه عدم غفلت از این مفهوم کلیدی کرامت انسان است.

۵- نتایج

از مطالب ذکر شده بدست می‌آید: حیات طیبه از جمله واژه‌هایی است که نزد مفسرین دارای معانی متعددی است و نمی‌توان براساس اقوال و دیدگاه‌های مفسران به مفهوم و معنای روشن و متقنی دست یافت بلکه آنچه را برای حیات طیبه ذکر کردن بخشی از حقیقت حیات طیبه است و به عبارتی مصادیق آن به شمار می‌رود. از مصادیق ذکر شده، قناعت مورد اجماع مفسران می‌باشد و روایاتی در تفاسیر ماثور و استدلال مفسران در تفاسیر عقلی بر آن دلالت دارد. به صراحت می‌توان گفت مفسران با وجوه مختلفی که برای حیات طیبه بیان کرده‌اند نه تنها مفهوم و معنای آنرا روشن ننموده بلکه آن را به یکی از آیات متشابه تبدیل کرده‌اند بنابراین باید به دلایل و قرائن دیگری که در پژوهش با آنها اشاره شد کم گرفت تا مفهوم حیات طیبه مشخص گردد که با توجه به صدر و ذیل آیه ۹۷ سوره نحل و همچنین سیاق و سیر منطقی آیات قبل و بعد این آیه به دست آمد که حیات طیبه حیات حقیقی و جدید دنیوی غیر از حیات حیوانی است که برای رسیدن به آن باید بارعایت پیمان فطرت، ایمان و عمل صالح و در نظر گرفتن جایگاه خود از جمله کرامت ویژه‌ای که خداوند برای انسان در نظر گرفته به عالم عنایت یعنی قرب الهی رسید تا حیات طیبه برای انسان حاصل شود.

منابع و مأخذ

۱. قرآن کریم
۲. ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، دارصادر، بیروت، ۱۴۱۴ ق.
۳. بحرانی، هاشم بن سلیمان، *البرهان فی تفسیر القرآن*، بنیاد بعثت، قرآن، ۱۴۱۶ ق.

۴. ثعلبی نیشابوری، ابواسحاق احمدبن ابراهیم، **الكشف والبيان في تفسير القرآن**، دار احیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۲ق.
۵. جوادی آملی، عبدالله، **تسنیم**، اسراء، قم، ۱۳۸۳ش.
۶. راغب اصفهانی، حسین حمد، **مفردات الفاظ قرآن**، دارالقلم، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۷. سعادت‌پرور، علی، **سر الاسراء**، منشورات مکتبه التشیع، قم، ۱۳۷۴ش.
۸. سیوطی، عبد الرحمن، **در المنثور**، کتابخانه آیه الله مرعشی نجفی، قم، ۱۴۱۲ق.
۹. طباطبایی، محمدحسین، **ترجمه المیزان**، انتشارات جامعه مدرسین حوزه قم، قم، ۱۳۷۴ش.
۱۰. طبرسی، محمد، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، فراهانی، تهران، ۱۳۶۰ش.
۱۱. طبری، ابن جریر، **جامع البیان**، دارالمعرفه، بیروت، ۱۴۱۲ق.
۱۲. طوسی، محمدحسن، **التیان فی تفسیر القرآن**، داراحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۱۳. عروسی حویزی، عبدعلی، **نورالثقلین**، اسماعیلیان، قم، ۱۴۱۵ق.
۱۴. فخر رازی، محمدبن عمر، **مفاتیح الغیب**، دار الحیاء التراث العربی، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۱۵. فیض کاشانی، ملا محسن، **تفسیر الصافی**، الصدر، تهران، ۱۴۱۵ق.
۱۶. قرشی، سیدعلی اکبر، **احسن الحدیث**، بنیاد بعثت، تهران، ۱۳۷۷ق.
۱۷. قمی مشهدی، محمدبن محمد رضا، **کنزالدقائق وبحر الغرائب**، سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۱۸. قمی، علی بن ابراهیم، **تفسیر قمی**، دار الکتب، قم، ۱۳۹۳ق.
۱۹. قنوجی، سید محمد صدیق، **فتح البیان فی مقاصد القرآن**، دارالکتب العلمیه، بیروت، ۱۴۲۰ق.
۲۰. ماوردی، علی بن محمد، **النکت والعیون**، دار الکتب العلمیه، بیروت، بی تا.
۲۱. مراغی، احمد بن مصطفی، **تفسیر مراغی**، دار الحیاء التراث العربی، بیروت، بی تا.
۲۲. مصطفوی، حسن، **التحقیق فی کلمات القرآن الکریم**، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، تهران، ۱۳۶۸ش.
۲۳. مطهری، مرتضی، **مجموعه آثار**، تهران، انتشارات صدرا، ۱۳۶۸ش.
۲۴. مطهری، محمدثناالله، **التفسیر المظهری**، مکتبه رشديه، پاکستان، ۱۴۱۲ق.

۲۵. مغنیہ، محمدجواد، **الکاشف**، دارالکتب الاسلامیہ، تہران، ۱۴۲۴ق.
۲۶. مقاتل بن سلیمان، **تفسیر مقاتل بن سلیمان**، داراحیاء التراث، بیروت، ۱۴۲۳ ق
۲۷. موسوی سبزواری، سید علی عبدالاعلی، **مواہب الرحمن فی تفسیر القرآن**، موسسہ اہل بیت، بیروت، ۱۴۰۹ق.
۲۸. میدی، احمد بن محمد، **کشف الاسرار وعدہ الابرار**، امیرکبیر، تہران، ۱۳۷۱ق.
۲۹. نیشابوری، نظام الدین حسن بن محمد، **غرائب القرآن و غرائب الفرقان**، دارالکتاب العلمیہ، بیروت، ۱۴۱۶ق.

